

مهم این ارتباطها دانست. در ادامه به چند نمونه حقیقی از این ارتباطها اشاره می‌کنیم:

نمونه اول

رویا دختری شانزده ساله است که به همراه دوست پسر خود از یکی از شهرستان‌ها به تهران آمده، و در ترمینال جنوب تنها و بی‌سرپناه دستگیر شده است.

از او می‌پرسم که برای چه به تهران آمدی؟ می‌گوید: با نامزد! آمدیم تهران عقد کنیم و با هم کار کنیم و زندگی خوبی را درست کنیم. می‌گویم: از نامزدت خبر داری؟ می‌دونی الان کجاست؟

درحالی که گریه می‌کند و اشک‌هایش آرام و قطره‌قطره روی گونه‌هایش می‌ریزد، می‌گوید: چند روز پیش که با دوستم تلفنی صحبت می‌کردم، می‌گفت که با دخترخاله‌اش عقد کرده و قرار است چندماه دیگر عروسی کنند. می‌گویم: پس معلوم می‌شود که چندان هم به تو علاقه نداشته. شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و پاسخی نمی‌دهد.

می‌گویم: چطور با هم آشنا شدید؟ می‌گوید: یکبار که به خانه دوستم رفته بودم با او آشنا شدم و پس از چندبار که او را دیدم، مرا به خانه‌اش دعوت کرد و به هم علاقه‌مند شدیم و قرار فرار و ازدواج گذاشتیم.

نمونه دوم

فریبا با وجود آن که به عقد پسرخاله‌اش درآمده، به هنگام گردش با چند پسر دستگیر شده است. او با یکی از این پسرها ارتباط داشته است. وقتی به او می‌گویم تو که عقد کرده بودی، چرا با دیگران دوست شدی و چرا دست به این اعمال خلاف زدی؟ می‌گوید: پسرخاله‌ام به درد نمی‌خورد. می‌گویم: از کجا می‌دانی؟ می‌گوید: او فقط سرگرم کار است. از دنیا و لذت‌هایش چیزی سرش نمی‌شود.

می‌گویم: خوب از اول با اون عقد نمی‌کردی یا وقتی فهمیدی طلاق می‌گرفتی. دیگر چرا تن به این ارتباط‌ها دادی؟ می‌گوید: اولش نمی‌فهمیدم توی دنیا چه می‌گذرد. خر بودم. بعد که توسط سمانه با افشین آشنا شدم، فهمیدم تو دنیا چه خبره و من چقدر احمق بودم که با یک پسر پاپتی عقد کرده‌ام، با این کارم می‌خواستم پسرخاله‌ام من را طلاق بده تا با افشین ازدواج کنم!

می‌گویم: افشین الان کجاست از اون خبر داری؟ می‌گوید: زرنگی! می‌خواهی جایش را بفهمی تا دستگیرش کنی. می‌گویم: من که پلیس نیستم. راستش را بگو اصلا می‌دونی کجاست یا نه؟

گریه‌اش می‌گیرد و می‌گوید: نمی‌دونم. مخفی شده، فرار کرده، نمی‌دونم کدوم گوریه و... تازه بغضش می‌ترکه و دست‌هایش را روی صورتش می‌گذارد و شروع می‌کند به گریه‌های گریه‌کردن. وقتی کمی آرام می‌شود، می‌گوید: سمانه چندبار رفته در خانه‌شان، من هم دو بار زنگ‌زده‌ام که پدرم و بهزیستی موافقت کرده‌اند که مرا به عقد او در آورند، ولی افشین خودش را آفتابی نمی‌کند و اصلا از او خبری ندارم.

یک کلمه حرف حساب

شما دختر جوان! آیا می‌توان به پسری که در خیابان و کوچه یا در جشن و مهمانی با چشم‌چرانی فراوان شما را پیدا کرده، و با نامه یا تلفن با شما ارتباط برقرار نموده، اعتماد و اطمینان کرد؟ آیا باید فریب چرب‌زبانی‌ها و وعده‌های پوچ او را خورد؟ چه تضمینی برای این نوع ازدواج‌ها وجود دارد؟ بر فرض که این روابط و آشنایی‌ها زمینه‌ای برای ازدواج باشد، از کجا می‌توان یقین کرد که بعدها نفر دیگر رابطه‌ای برقرار نکند؟ و صدها پرسش دیگر...

غیر از فرهنگ منحرف غرب آن‌هم در دهه‌های اخیر، در تمامی فرهنگ‌ها و ملت‌ها، ارتباط میان زن و مرد بیگانه کم‌وبیش ناپه‌نجا و غیرمعارف شمرده می‌شود. از اقوام باستانی گرفته تا ادیان گوناگون و جوامع بشری امروزی، هر کدام قوانین و ضوابطی را برای ارتباط بین زن و مرد در نظر می‌گیرند و تعامل خارج از آن ضوابط را ممنوع می‌دانند. دین زندگی‌آموز اسلام نیز در این زمینه احکام و مرزهای ویژه‌ای ترسیم کرده است. اسلام روابط بین دوجنس مخالف را در چارچوب خانواده جایز و خارج از آن را سبب انحراف اخلاقی و فساد فردی و اجتماعی می‌داند. البته این سخن به معنای عدم حضور اجتماعی زنان و ارتباط‌های معارف و ضروری کاری، علمی، فرهنگی و... نیست. بلکه در مواردی است که رابطه زن و مرد بیگانه از روابط عادی خارج شده و به‌سوی دوستی و گفت‌وگوهای طولانی کشیده شود.

آرمان‌ها و انگیزه‌ها

آمارها همگی از فرجام ناخوب دوستی‌های میان دختر و پسر خبر می‌دهند؛ بیشتر دختران، با هزاران احساس و آرزو و امید با پسری دوست می‌شوند و با خود می‌اندیشند که این جوان عاشق مرا خوشبخت خواهد کرد یا می‌پندارند پسری که به آن‌ها ابراز علاقه کرده همان فرد ایده‌آل و رویایی آرزوهای آن‌هاست؛ غافل از این که در بیشتر پسران انگیزه دوستی و ارتباط، حس کنجکاوی، رقابت‌جویی، فخر فروشی در میان دوستان، ارضای شهوات و خوش‌گذرانی است. چه بسا اگر پسری هم از روی صداقت با دختری دوست شود، معلوم نیست آیا ویژگی‌های اخلاقی و دینی و خانوادگی مناسبی داشته باشد یا نه.

واقعیت و حقیقت

طبق آمارهای به‌دست آمده فقط چهاردرصد دوستی‌های میان دختر و پسر به ازدواج منتهی می‌شود. که البته بیش‌تر همین چهاردرصد هم به طلاق می‌انجامد. تعداد اندکی که بر پایه دوستی‌های خیابانی زندگی مشترک تشکیل داده‌اند، تا یکی دو سال احساس خوشبخت کرده‌اند، ولی در نهایت، در پیچ و خم زندگی به کاستی‌های یکدیگر پی برده و این نکته را دریافته‌اند که ازدواج بر پایه عشقی گذرا و هیجانی چنین پیامدهایی دارد؛ در حقیقت علاقه شدید ابتدایی در آغاز دوستی به آنان اجازه نمی‌دهد تا عیب‌های یکدیگر ببینند.

دختران غافل

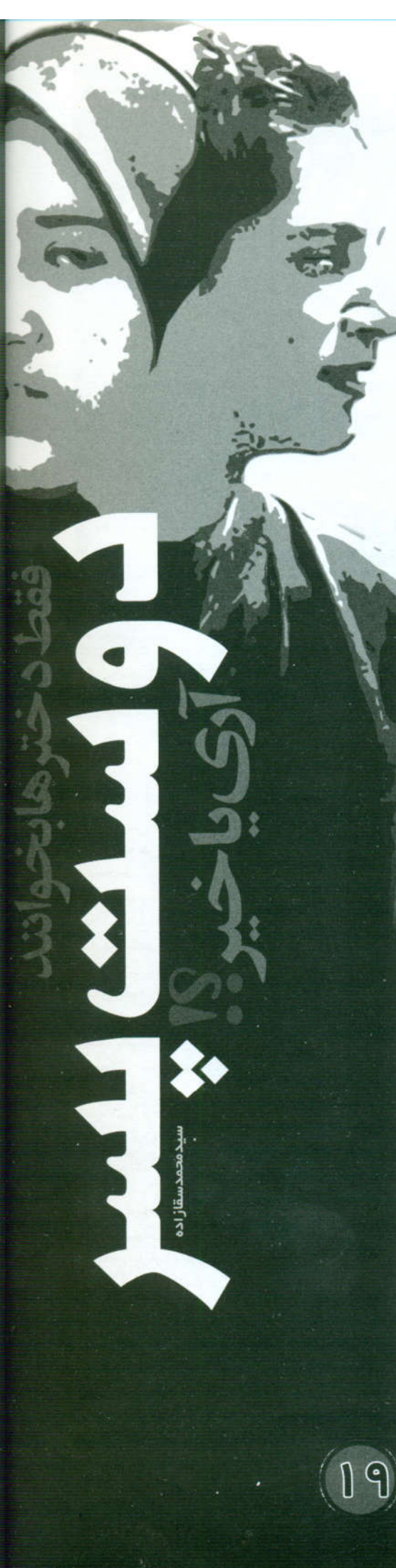
بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین عوامل فرار دختران از خانه، دوستی و ارتباط با جنس مخالف است. تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از شصت‌درصد دختران فراری پیش از فرار، دوست پسر داشته‌اند و بیش‌تر این دختران به‌وسیله همین دوستان اغفال شده‌اند این‌جاست که دختران فراری و گرفتار، یا نام واقعی دوست پسر خود را نمی‌دانند یا اگر هم می‌دانند به‌خیال خود برای وفاداری نام او را فاش نمی‌کنند و در خیال واهی خود، بر این باورند که دوست پسرشان به سراغ آنان خواهد آمد.

پسران بد!

شاید به طور کلی بتوان گفت این پسران هستند که برای نخستین بار به‌صورت مستقیم با دخترها ارتباط برقرار می‌کنند، اما روش‌های این ارتباط متفاوت است روش‌هایی هم‌چون:

۱. آشنایی به‌وسیله یکی از دوستان هم‌جنس
۲. آشنایی اتفاقی از طریق تلفن، پارک...
۳. زیر فشار تحقیر دوستان بر ناتوانی در جلب نظر یک پسر و همسان‌سازی با همسالان
۴. ...

بنابراین تحریک و ترغیب هم‌سالان را می‌توان یکی از عوامل





آقا بعضی از مباحث ذاتا شیرین و جذاب هستند. یعنی هروقت و هر کجا و در هر شرایطی مطرح شوند جذاب و پرمخاطب شمرده می‌شوند باور نمی‌فرمایید مثلا همین بحث رابطه دختر و پسر اگر حد تا سمنار و کنفرانس و اجلاس و امثال آن درخصوص این موضوع برقرار شود باز در همایش بعدی حتی اگر وسط امتحانات ترم هم باشد سالن اجتماعات پر می‌شود از جمعیت، نشاطی در فضای جلسه حاکم می‌شود که نگو... حتی بحث احکام شرعی که معمولا از شانس کم‌تری برای مطالعه برخوردار است وقتی درخصوص این موضوع باشد جذاب و خواندنی می‌شود چه سزی است؟! الله اعلم!

همین‌جا بد نیست به مشکلی که گریبان گیر خیلی از ماست اشاره کنیم؛ قبلا هم گفتیم حقیقت اسلام تسلیم است یعنی سرسپردگی و به‌قول بچه‌ها درپست مخلص خدا بودن و این یعنی این که اگر فهمیدیم حکم الهی در مسأله‌ای این است مرد و مردانه بپذیریم و اما و چرا نیاوریم، اما گاهی دیده می‌شود بعضی‌ها انگار نمی‌خواهند بعضی مسائل خلاف سلیقه و میلشان را به راحتی بپذیرند و گاهی یک مسأله را بارها و بارها و به شکل‌های گوناگون و تعبیر مختلف از افراد متفاوت می‌پرسند تا بالاخره شاید در خلال این پاسخ‌ها به خاطر اشتباه لپی یا خطای در تعبیر چیزی به دستشان بیاید که بشود کار مطابق میلشان را با آن توجیه کرد... خلاصه قضیه این که به قول حضرت حافظ:

در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم

لطف آن‌چه تو اندیشی حکم آن‌چه تو فرمایی

خدا رحمت کند علامه حلی^۳ را نقل می‌کنند تا چند صدسال نظر همه فقها این بود که آب چاه در تماس با نجاست نجس می‌شود. علامه حلی نسبت به این مسأله دچار تردید شد و وقتی تصمیم گرفت به‌صورت جدی در خصوص این مسأله تحقیق کند دستور داد اول چاه آب

منزل خودش را با سنگ پرکنند تا در هنگام تحقیق، چاه داشتن منزل خودش انگیزه جهت‌گیری نظرش به فتوای طهارت آب چاه نباشد... .

* اما بحث رابطه دختر و پسر یا به تعبیر بهتر رابطه با جنس مخالف:

این روابط به چند دسته تقسیم می‌شوند: رابطه دیداری، رابطه گفتاری و شنیداری، روابط مکتوب و روابط فیزیکی؛

۱. روابط فیزیکی: همه فقها بدون استثنا هرگونه تماس بدنی دو نامحرم را در هر شرایطی که باشند حرام دانسته‌اند و هیچ‌گونه مجوز شرعی حتی در مثل دست‌دادن با بستگانی مانند زن برادر، زن دایی، پسرعمو... وجود ندارد (البته واضح است که شرایط اضطراری مثل امور پزشکی... با تعریف ویژه خودش و با حفظ حدود مشخص به عنوان حکم ثانوی متفاوت است)

۲. روابط دیداری: بحث نگاه، شاخه‌ها و فروع متعددی دارد که ان‌شاءالله در فرصتی دیگر مفصلا عرض می‌کنیم، اما به‌صورت مختصر باید بگوییم که نگاه مرد (اگر بدون قصد لذت باشد) به گردی صورت و دست‌های زن تا میج (اگر بدون زینت باشد) و نگاه زن به همین مقدار از بدن مرد که معمولا پوشانده نمی‌شود مثل سر و گردن و دست‌ها و پاها تا میج (باز هم بدون قصد لذت و بدون ترس از انحراف یا گناه) طبق نظر بیشتر فقها اشکال ندارد؛ البته نباید فراموش کرد که علاقه و میلی که برحسب غریزه نسبت به توجه و نگاه به ویژگی‌های بدنی جنس مخالف در انسان وجود دارد در بیش‌تر موارد اگر نگوییم همه موارد همراه با لذت حرام است.

۳. رابطه کلامی: درباره صحبت کردن هم باید گفت: هیچ منعی برای گفت‌وگو بین زن و مرد وجود ندارد به شرطی که همان دو اصل کلی رعایت شود یعنی صحبت به قصد لذت‌بردن نباشد و مفسده (ترس از فساد و انحراف) در آن وجود نداشته باشد. مثلا ممکن است در هنگام صحبت، در دختر و پسر احساس لذت حرام وجود نداشته باشد اما بعدا یادآوری آن گفت‌وگو این احساس را ایجاد کند و به نوعی خوش‌به‌حال انسان شود که البته این‌جا بیش‌تر از همه خوش‌به‌حال شیطان می‌شود!

در کنار این مسأله باید دقت شود مکالمه از باب ضرورت باشد و اگر ضروری نباشد لااقل این صحبت مکروه است. همچنین متانت و سنگینی در انتخاب کلمات و لحن گفتار هم رعایت شود به‌خصوص درباره خانم‌ها که تغییر لحن و جذاب کردن آهنگ کلام - که گاهی در ظاهر، ناخواسته اتفاق می‌افتد - مورد نهی صریح قرآن و حرام است. (احزاب، ۳۲)

۴. رابطه مکتوب: درباره نامه‌نگاری و مصداق‌های دیگر امروزی آن مثل ارسال Email و یا SMS هم در نگاه اولیه حرمتی وجود ندارد ولی اگر مفسده‌ای به دنبال داشته باشد مجاز نیست. درخصوص این مفسده و ابهامی که احیاناً در تشخیص مصادیق آن وجود دارد لازم است وارد بحث اصلی شویم.

رابطه دوستانه

تا به حال روابط را به‌صورت جزئی و مختصر بررسی کردیم اما روابط انسان با دیگران گاهی معجونی از صحبت و نگاه و ابراز محبت و برخی امور مشابه است چیزی که به قول معروف رفاقت یا دوستی نامیده می‌شود و رفتارهای مخصوص به خود را هم به همراه دارد مانند سلام و